

## قسمت اول

گزارش وضع اقتصادی کشور

کرد (حدود ۴/۵ درصد)، به گونه‌ای که پس از سال‌ها از رشد بخش خدمات پیشی گرفت. تجارت جهانی نیز با نرخ رشد سالانه حدود ۵/۴ درصد در سال ۲۰۱۷، بالاترین نرخ رشد را در سال‌های اخیر تجربه کرد و کشورهای صادرکننده صنعتی به ویژه در حوزه شرق آسیا، بیشترین انتفاع را در این زمینه کسب کردند. مجموع این عوامل به افزایش قیمت مواد اولیه منجر شد که به نوبه خود بهبود تدریجی اقتصادهای صادرکننده مواد اولیه را نیز در پی داشت.

نرخ تورم کالاها و خدمات مصرفی<sup>(۱)</sup> در اقتصادهای پیشرفته به حدود ۱/۷ درصد در سال ۲۰۱۷ رسید که در مقایسه با سال قبل، افزایش ۰/۹ واحد درصدی را تجربه نمود. نرخ تورم در اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه در این سال به ۴/۳ درصد بالغ گردید که تغییر چندانی نسبت به سال ۲۰۱۶ نداشت. در هر دو دسته از این اقتصادها، افزایش قیمت انرژی متوسط نرخ تورم را اندکی بالاتر از نرخ تورم هسته<sup>(۲)</sup> (نرخ تورم کالاها و خدمات مصرفی به استثنای مواد غذایی و انرژی) قرار داد؛ به طوری که به استثنای برخی از اقتصادها، نرخ تورم هسته در مجموع در سطوح پایین‌تری در مقایسه با نرخ تورم کالاها و خدمات مصرفی قرار گرفت.

اقتصاد جهان در این سال از اقدامات اتخاذ شده در حوزه سیاست‌های پولی و انضباطی که در سال‌های پس از بحران

اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۷ عملکردی فراتر از انتظارات داشت و با شتاب گرفتن سطح فعالیت‌های اقتصادی در اکثر اقتصادها، نرخ‌های رشد اقتصادی تقویت و به تبع آن، نرخ‌های بیکاری با کاهش مواجه گردید. نرخ رشد اقتصاد جهانی از ۳/۴ درصد در سال ۲۰۱۶ به حدود ۳/۸ درصد در سال ۲۰۱۷ افزایش یافت که بالاتر از پیش‌بینی‌های صورت گرفته و نزدیک به نرخ متوسط بلندمدت بود. نرخ تورم جهانی نیز با ۰/۴ واحد درصد افزایش مواجه شد و از ۲/۸ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۳/۲ درصد در سال ۲۰۱۷ رسید.

افزایش نرخ‌های رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۷ در مقایسه با سال‌های گذشته از هماهنگی بیشتری میان مناطق و کشورهای مختلف برخوردار بود؛ افزایش مخارج کل نیز بین اقتصادهای مختلف متوازن بود و سهم سرمایه‌گذاری ثابت بخش خصوصی و موجودی انبار از رشد تولید ناخالص داخلی جهان نسبت به سال ۲۰۱۶ افزایش یافت. در این سال اقتصادهای پیشرفته با ۰/۷ واحد درصد و کشورهای نوظهور با ۰/۲ واحد درصد افزایش نرخ رشد نسبت به سال ۲۰۱۶، به ترتیب به نرخ‌های رشد ۲/۴ و ۴/۸ درصد دست یافتند. افزایش سرمایه‌گذاری ثابت بخش خصوصی به ویژه در بخش غیر مسکونی، از دلایل عمده افزایش نرخ رشد در اقتصادهای پیشرفته بود؛ در حالی که در اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه، مصرف بخش خصوصی از اهمیت نسبی بالاتری برخوردار گردید. در نتیجه این تحولات، تولید صنعتی و تجارت جهانی در سال ۲۰۱۷ با رشد قابل توجهی مواجه شدند و شاخص تولیدات صنعتی بالاترین نرخ رشد را پس از سال ۲۰۱۴ کسب

۱- Headline Inflation

۲- Core Inflation

## فصل ۱ خلاصه‌ای از وضع اقتصادی جهان

مالی جهانی در قالب سیاست‌های نامتعارف پولی اجرا شدند، بسیار منتفع گردید. سیاست‌های تسهیل‌گرایانه پولی که طی دوره‌ای طولانی اتخاذ شد، به عنوان عامل پشتیبان در بهبود اقتصاد جهان عمل نمود و منجر به تقویت و تجهیز سرمایه سیستم‌های بانکی و انعطاف‌پذیری بیشتر آنها در حمایت از اقتصاد گردید. چالش کلیدی اقتصاد جهان در این سال حفظ نرخ‌های رشد اقتصادی بالا در دوره‌هایی فراتر از کوتاه‌مدت بود و اینکه تداوم رشد اقتصادی در سال‌های آینده تا حد زیادی مربوط به نحوه عملکرد سیاستی بانک‌های مرکزی در مواجهه با مشکلاتی خواهد بود که احتمالاً به هنگام خروج از سیاست‌های نامتعارف پولی متصور است.

### ۱-۱- اقتصادهای پیشرفته

روند بهبود اقتصادی در اقتصادهای پیشرفته در سال ۲۰۱۷ با قوت ادامه یافت که بخش قابل توجهی از آن ناشی از افزایش مخارج سرمایه‌گذاری کل بود. تولید ناخالص داخلی حقیقی آمریکا در نیمه دوم سال ۲۰۱۷ با نرخ رشد سالانه حدود ۳ درصد افزایش یافت که در مقایسه با رشد نیمه اول سال با افزایش مواجه شد. مخارج مصرفی این کشور نیز در نیمه دوم سال با نرخ بالایی (حدود ۳/۰ درصد) رشد یافت که عمدتاً ناشی از افزایش اشتغال، افزایش ثروت خانوارها و بهبود شرایط مصرف‌کنندگان بود. همچنین، رشد سرمایه‌گذاری تجاری در سطوح بالایی (حدود ۶ درصد در نیمه دوم سال ۲۰۱۷) محقق شد و بازار مسکن با بهبود تدریجی همراه بود. در مجموع، اقتصاد آمریکا در سال ۲۰۱۷ به نرخ رشد ۲/۲ درصد دست یافت که افزایشی معادل ۰/۶ واحد درصد نسبت به سال قبل از آن داشت.

تولید ناخالص داخلی حقیقی در حوزه یورو نیز در سال ۲۰۱۷ با افزایش نرخ رشد مواجه شد و از ۲/۰ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۲/۴ درصد در سال ۲۰۱۷ بالغ گردید. رشد تولید ناخالص داخلی این حوزه عمدتاً حاصل رشد مصرف خصوصی،

سرمایه‌گذاری و افزایش صادرات بود. بهبود اقتصاد جهانی و افزایش تقاضای خارجی، صادرات را در اقتصادهای این حوزه رونق بخشید و شرایط مطلوب بازارهای مالی و پایین بودن هزینه وام‌گیری، زمینه افزایش سود شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری بیشتر را در سال ۲۰۱۷ فراهم نمود. در مقابل، اقتصاد انگلستان در این سال به نرخ رشد اقتصادی معادل ۱/۸ درصد دست یافت که تغییر چندانی نسبت به سال ۲۰۱۶ نداشت. در ژاپن، فعالیت‌های اقتصادی تقویت شد و نرخ رشد اقتصادی از ۰/۶ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۱/۹ درصد در سال ۲۰۱۷ افزایش یافت. با این حال، رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی این کشور در فصل چهارم سال به میزان زیادی با کاهش مواجه شد. اقتصاد کانادا در این سال با افزایش نرخ رشد اقتصادی مواجه شد، به گونه‌ای که این نرخ از ۱/۱ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۳/۰ درصد در سال ۲۰۱۷ رسید؛ لیکن رشد اقتصادی این کشور پس از یک مرحله افزایش سریع در اوایل سال ۲۰۱۷، در نیمه دوم سال تا حدودی تعدیل گردید و از سرعت آن کاسته شد.

نرخ بیکاری در اقتصادهای پیشرفته با شتاب گرفتن رشد اقتصادی در این سال دچار کاهش شد و به حداقل میزان خود در سال‌های پس از بحران مالی جهانی رسید. در برخی از اقتصادهای پیشرفته، نرخ بیکاری به پایین‌ترین نرخ‌های مشاهده شده پس از جنگ جهانی دوم نزدیک شد. به عنوان مثال، نرخ بیکاری ایالات متحده در سال ۲۰۱۷ به ۴/۴ درصد رسید که در زمره پایین‌ترین نرخ‌های تاریخی این متغیر محسوب می‌شد. نرخ بیکاری ژاپن در این سال معادل ۲/۸ درصد و آلمان معادل ۳/۸ درصد بود که به ترتیب در ۲۵ و ۴۰ سال اخیر، کمترین میزان نرخ بیکاری در این دو کشور محسوب می‌شدند. در کشورهای کانادا و انگلستان نیز نرخ بیکاری کاهش یافت و به حداقل مشاهده شده در چهل سال اخیر رسید. این کاهش نرخ بیکاری در اقتصادهای پیشرفته منجر به کمبود نیروی کار به ویژه نیروی کار متخصص و دارای مهارت بالا گردید.

## گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۹۶

خواهد ماند. با این حال، این بانک در چندین مرحله اقدام به کاهش میزان خرید دارایی‌ها نمود و در اواخر سال ۲۰۱۷ نیز سیاست کاهش حجم خرید ماهانه دارایی‌ها از ۶۰ میلیارد یورو به ۳۰ میلیارد یورو را از ابتدای سال ۲۰۱۸ اعلام کرد. بانک مرکزی ژاپن، جهت‌گیری سیاست پولی انبساطی خود را بدون تغییر ادامه داد؛ به گونه‌ای که نرخ بهره سیاستی خود را در سطوح پایین تاریخی و نرخ هدف بازده اوراق قرضه دولتی را در محدوده صفر حفظ کرد. همچنین، در برنامه بازخرید سالانه این اوراق تغییری اعمال نشد. بانک مرکزی کانادا و انگلستان نرخ بهره سیاستی خود را افزایش داده و در عین حال، بر حذف تدریجی سیاست‌های انبساطی تاکید کردند.

طی سال ۲۰۱۷، شاخص دلار<sup>(۳)</sup> با کاهش ارزش حدود ۶ درصد مواجه شد که بیشترین میزان کاهش سالانه در یک دهه اخیر محسوب می‌شود. پس از تقویت قابل توجه این شاخص در سال ۲۰۱۶، شاخص مذکور طی سه فصل اول سال ۲۰۱۷ با کاهش ارزشی به میزان ۷/۵ درصد مواجه شد که عمدتاً به دلیل افزایش رشد اقتصادی در سایر اقتصادهای بزرگ دنیا و همچنین آگاهی فعالان اقتصادی از تلاش این اقتصادها برای عادی‌سازی سیاست پولی و رها کردن سیاست‌های پولی نامتعارف بود. با این حال، در فصل چهارم سال ۲۰۱۷، شاخص دلار به میزان ۱/۷ درصد تقویت شد که این امر ناشی از تقویت انتظارات در مورد تداوم افزایش نرخ‌های بهره در آمریکا و تصویب نهایی اصلاح نظام مالیاتی آمریکا بود. در میان شرکای تجاری بزرگ آمریکا در سال ۲۰۱۷، نرخ ارز موثر حقیقی<sup>(۴)</sup> در بیشتر کشورهای اروپایی و اقتصادهای نوظهور آسیایی (بجز چین) تقویت شد و در مقابل، در برخی کشورها (چین، ژاپن، بریتانیا و سوئیس) تضعیف گردید.

با افزایش قیمت نفت از ماه سپتامبر ۲۰۱۷، نرخ تورم کالاها و خدمات مصرفی در اقتصادهای پیشرفته افزایش یافت و از ۰/۸ درصد در سال ۲۰۱۶ به حدود ۱/۷ درصد در پایان سال ۲۰۱۷ رسید. با این حال، نرخ تورم هسته در مجموع بدون تغییر ماند و در سطوحی پایین‌تر از اهداف تعیین شده توسط بانک‌های مرکزی قرار گرفت. تداوم کاهش نرخ تورم هسته در اقتصادهای پیشرفته عمدتاً ناشی از کاهش قیمت خدمات مصرفی غیر قابل مبادله از قبیل خدمات پزشکی و آموزشی بود. پایین بودن نسبی نرخ تورم هسته در مجموع، رشد اندکی را برای دستمزدها در این سال رقم زد؛ به گونه‌ای که علی‌رغم افزایش نرخ رشد دستمزد حقیقی، این نرخ همچنان پایین‌تر از حد متوسط بود. کندی رشد دستمزدها تا حدی بیانگر سهم بالای افراد شاغل در مشاغل پاره‌وقت، تغییر ترکیب نیروی کار و افزایش تعداد شاغلان جدید با سطوح پایین دستمزد بود.

جهت‌گیری سیاست پولی در سال ۲۰۱۷ در بسیاری از بانک‌های مرکزی اقتصادهای پیشرفته همچنان در وضعیت انبساطی<sup>(۱)</sup> قرار داشت؛ هرچند اقداماتی در خصوص تغییر جهت سیاستی توسط برخی از اقتصادها صورت پذیرفت. فدرال رزرو آمریکا به انقباض تدریجی سیاست‌های پولی خود ادامه داد و نرخ بهره کوتاه‌مدت را با توجه به تثبیت بازار کار و ظهور نشانه‌های افزایش تورم، بالا برد؛ به گونه‌ای که نرخ وجوه فدرال طی نیمه اول سال دو نوبت (هر بار ۰/۲۵ واحد درصد) افزایش یافت و در ماه دسامبر نیز با افزایش مجدد به ۱/۵ درصد بالغ گردید. بانک مرکزی اروپا در این سال تغییری در نرخ بهره ایجاد نکرد و تاکید نمود نرخ بهره در یک افق زمانی نامحدود و حتی پس از پایان برنامه خرید دارایی‌ها<sup>(۲)</sup> نیز در سطوح فعلی یا پایین‌تر از آن باقی

### ۱ - Accommodative

۲- برنامه خرید دارایی‌ها از جمله سیاست‌های انبساطی پولی محسوب می‌شود که به دنبال بحران مالی جهانی توسط بانک‌های مرکزی مختلف تحت عنوان سیاست‌های نامتعارف پولی اتخاذ گردید و در آن به منظور ایجاد تحرک اقتصادی اقدام به خرید اوراق قرضه دولتی و خصوصی در سطح وسیع می‌شود.

۳- این شاخص براساس میانگین ارزش وزنی ۶ ارز یورو، پوند انگلیس، فرانک سوئیس، کرون سوئد، دلار کانادا و ین ژاپن در مقابل دلار آمریکا محاسبه می‌شود.

۴- Real Effective Exchange Rate

جدول ۱-۱- برخی شاخص‌های عمده اقتصادهای پیشرفته

(درصد)

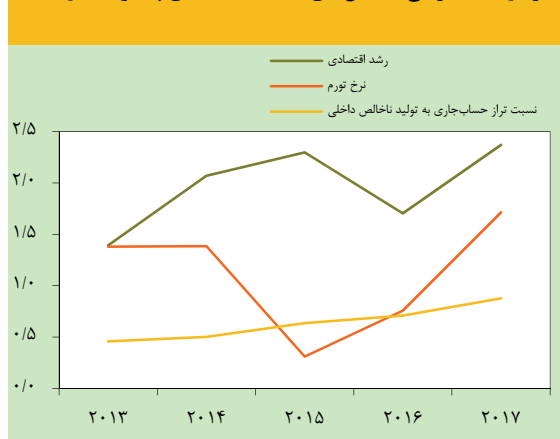
تراز حساب جاری به تولید ناخالص داخلی	نرخ تورم		رشد اقتصادی		
	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۷	
-	۳/۲	۲/۸	۳/۸	۳/۴	جهان
۰/۹	۱/۷	۰/۸	۲/۴	۱/۷	اقتصادهای پیشرفته
-۲/۳	۲/۱	۱/۳	۲/۲	۱/۶	ایالات متحده آمریکا
۳/۲	۱/۵	۰/۲	۲/۴	۲/۰	منطقه اروپا
۸/۰	۱/۷	۰/۴	۲/۵	۲/۲	آلمان
-۰/۶	۱/۲	۰/۳	۲/۲	۱/۲	فرانسه
۲/۸	۱/۳	-۰/۱	۱/۶	۱/۱	ایتالیا
۱/۸	۲/۰	-۰/۲	۳/۰	۳/۲	اسپانیا
۴/۰	۰/۵	-۰/۱	۱/۹	۰/۶	ژاپن
-۳/۳	۲/۷	۰/۷	۱/۸	۱/۸	انگلستان
-۲/۸	۱/۶	۱/۴	۳/۰	۱/۱	کانادا

مآخذ: صندوق بین‌المللی پول، «گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهان»، آوریل ۲۰۱۹

۶/۸ درصد در پایان سال ۲۰۱۷ رسید که دلیل عمده آن افزایش خالص صادرات در اقتصاد این کشور بود. همچنین، اعمال تدابیر انگیزشی توسط دولت، تاکید بر اجرای اصلاحات اقتصادی پایدار و مبارزه با فساد مالی، در رشد اقتصادی موثر بوده است. رشد اقتصادی این کشور علی‌رغم اتخاذ سیاست‌های محدودکننده صنایع آلاینده، اعمال سخت‌گیری بیشتر در مقررات بخش مالی و ایجاد محدودیت در رشد قیمت مسکن حاصل شد. مازاد حساب جاری چین در سال ۲۰۱۷ به ۱/۴ درصد تولید ناخالص داخلی رسید و نرخ بیکاری در این سال با ۰/۱ واحد درصد کاهش نسبت به سال قبل از آن، در سطح ۳/۹ درصد قرار گرفت. اقتصاد هند در سال ۲۰۱۷ با نرخ ۷/۲ درصد رشد کرد

که نشان‌دهنده کاهش ۱/۰ واحد درصدی نسبت به سال ۲۰۱۶ بود. کندی سطح فعالیت‌های اقتصادی این کشور که عمدتاً به دلیل اصلاح سیستم مالیات بر کالاها و خدمات از اواخر سال ۲۰۱۶ آغاز شده بود، در فصل نخست سال ۲۰۱۷ نیز ادامه یافت. با این حال، از فصل دوم سال ۲۰۱۷ رشد اقتصادی بار دیگر شتاب گرفت که عمدتاً ناشی از رشد شتابان سرمایه‌گذاری و افزایش مصرف خصوصی بود. در کشور روسیه، روند بهبود اقتصادی که از اواسط سال ۲۰۱۶ آغاز شده بود، در سال ۲۰۱۷ با سرعت بیشتری ادامه یافت. افزایش بهای نفت در سال ۲۰۱۷ به افزایش صادرات روسیه انجامید و نسبت حساب جاری به تولید

نمودار ۱-۱- برخی شاخص‌های عمده اقتصادهای پیشرفته (درصد)

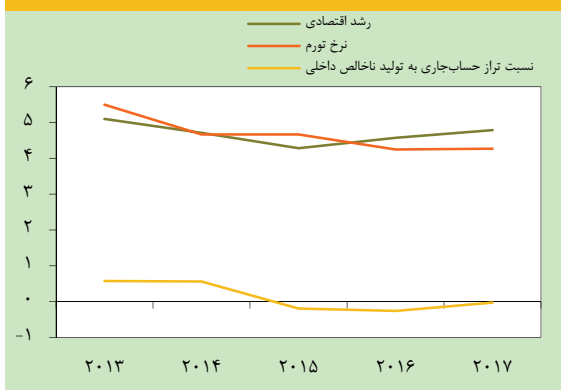


### ۱-۲- اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه

اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه در سال ۲۰۱۷ رشد اقتصادی بالایی را تجربه کرده و به متوسط نرخ‌های رشد تاریخی خود نزدیک شدند. عملکرد قوی این دسته از اقتصادها در درجه اول ناشی از افزایش سطح مصرف بخش خصوصی بود؛ هرچند تصویر عملکرد کشورهای مختلف در این زمینه با یکدیگر تفاوت داشت. سرمایه‌گذاری کل نیز علی‌رغم تفاوت‌های عمده در کشورهای مختلف تا حدودی با افزایش مواجه گردید. در اقتصادهای در حال توسعه آسیایی، رشد اقتصادی در سطوح قوی (حدود ۶/۶ درصد در سال ۲۰۱۷) حفظ شد. در کشور چین، رشد اقتصادی در نیمه دوم سال ۲۰۱۷ تقویت شد و به

## گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۹۶

نمودار ۱-۲- برخی شاخص‌های عمده اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه (درصد)



شرایط مالی در اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور از ماه اوت ۲۰۱۷ در وضعیت مساعدی جهت تقویت سطح فعالیت‌های اقتصادی قرار داشت. بانک مرکزی چین نرخ بهره سیاستی خود را در سطوح قبلی حفظ نمود و در عین حال، به کارگیری تسهیلات وام‌دهی بانک مرکزی را نیز افزایش داد. در کشور هند، کاهش قابل توجه تورم هسته به ویژه در فصل نخست ۲۰۱۷ این امکان را فراهم نمود تا بانک مرکزی این کشور در ماه اوت ۲۰۱۷ نرخ بازخرید کلیدی را با ۰/۲۵ واحد درصد کاهش به ۶ درصد برساند. سیاست پولی در اقتصادهای برزیل و روسیه در شرایط انبساطی‌تر قرار گرفت، در حالی که در مرکزیک با انقباض بیشتری همراه شد. نرخ بهره بلندمدت اوراق قرضه داخلی در اقتصادهایی که با رشد سریع مواجه بودند (نظیر اقتصادهای نوظهور آسیایی و اقتصادهای نوظهور اروپایی) با افزایش ملایمی مواجه شد و در اقتصادهای حوزه آمریکای لاتین و روسیه کاهش یافت. نرخ یوان چین در فاصله زمانی اوت ۲۰۱۷ و مارس ۲۰۱۸ به میزان ۳/۵ درصد در مقادیر موثر حقیقی و به همین میزان نیز نسبت به متوسط مقادیر سال ۲۰۱۷ تقویت شد. رینگیت مالزی با توجه به بهبود چشم‌انداز رشد اقتصادی و قیمت بالاتر مواد اولیه به میزان ۸ درصد افزایش یافت. در مقابل، لیر ترکیه با توجه به افزایش نرخ تورم به بیش از ۱۰ درصد، با کاهش ارزش مواجه شد.

ناخالص داخلی این کشور از ۱/۹ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۲/۱ درصد در سال ۲۰۱۷ افزایش یافت. در نتیجه، رشد اقتصادی این کشور از ۰/۳ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۱/۶ درصد در سال ۲۰۱۷ رسید و نرخ بیکاری از ۵/۵ درصد به ۵/۲ درصد کاهش یافت.

اقتصادهای حوزه آمریکای لاتین در این سال با افزایش رشدی معادل ۱/۸ واحد درصد مواجه شده و به نرخ رشد ۱/۲ درصد دست یافتند. با این حال، اقتصادهای بزرگ این حوزه همچنان دچار پاره‌ای از مشکلات بودند. رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی مرکزیک به دنبال کاهش شدید سطح فعالیت‌های اقتصادی ناشی از حوادث طبیعی، دچار کاهش شد و از ۲/۹ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۲/۱ درصد در سال ۲۰۱۷ رسید. اقتصاد برزیل به دنبال یک دوره طولانی انقباض سطح فعالیت‌ها، در این سال شروع به بهبود کرد و نرخ رشد اقتصادی این کشور با ۴/۴ واحد درصد افزایش از ۳/۳- درصد در سال ۲۰۱۶ به ۱/۱ درصد بالغ گردید. با این حال، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این کشور همچنان پایین بود و بیشتر شرکت‌های تجاری به بازپرداخت بدهی‌های خود مشغول بودند و نااطمینانی در خصوص سیاست‌های دولت همچنان تداوم داشت.

نرخ تورم اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه در سال ۲۰۱۷ افزایش اندکی نسبت به سال ۲۰۱۶ تجربه کرد و به ۴/۳ درصد رسید. افزایش قیمت انرژی، متوسط نرخ تورم را در این اقتصادها اندکی بالاتر از نرخ تورم هسته قرار داد. همچنین، ثبات نرخ ارز و در پاره‌ای از موارد تقویت ارزش پول داخلی در مقابل دلار آمریکا، مانع افزایش نرخ تورم هسته شد. اقتصاد چین و هند به ترتیب با کاهشی معادل ۰/۴ و ۰/۹ واحد درصد، به ترتیب به نرخ تورم ۱/۶ و ۳/۶ درصد دست یافته و اقتصاد روسیه نیز با کاهشی معادل ۳/۴ واحد درصد، نرخ تورم ۳/۷ درصدی را تجربه نمود. برخی دیگر از اقتصادهای نوظهور نظیر اقتصادهای جنوب صحرای آفریقا، اقتصادهای مستقل مشترک‌المنافع و حوزه مناب همچنان با تورم بالای ناشی از انتقال اثر کاهش ارزش پول ملی به اقتصاد داخلی دست به گریبان بودند.

جدول ۱-۲- برخی شاخص‌های عمده اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه

(درصد)

تراز حساب جاری به تولید ناخالص داخلی	نرخ تورم		رشد اقتصادی			
	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۷		
-	-	۳/۲	۲/۸	۳/۸	۳/۴	جهان
۰/۰	-۰/۳	۴/۳	۴/۲	۴/۸	۴/۶	اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه
۰/۹	۱/۴	۲/۴	۲/۸	۶/۶	۶/۷	کشورهای در حال توسعه آسیایی
۱/۴	۱/۸	۱/۶	۲/۰	۶/۸	۶/۷	چین
-۱/۸	-۰/۶	۳/۶	۴/۵	۷/۲	۸/۲	هند
۲/۱	۲/۰	۳/۱	۲/۴	۵/۴	۵/۰	آسه‌آن (ASEAN) <sup>(۱)</sup>
-۲/۵	-۱/۸	۶/۲	۳/۲	۶/۰	۳/۳	اقتصادهای در حال توسعه اروپایی
۱/۰	۰/۰	۵/۵	۸/۳	۲/۴	۰/۸	کشورهای مستقل مشترک‌المنافع
۲/۱	۱/۹	۳/۷	۷/۱	۱/۶	۰/۳	روسیه
-۰/۶	-۳/۹	۶/۴	۴/۷	۲/۲	۵/۲	خاورمیانه، شمال آفریقا، افغانستان و پاکستان (حوزه مناپ)
-۱/۴	-۱/۹	۶/۰	۵/۶	۱/۲	-۰/۶	آمریکای لاتین
-۰/۴	-۱/۳	۳/۴	۸/۷	۱/۱	-۳/۳	برزیل
-۱/۷	-۲/۳	۶/۰	۲/۸	۲/۱	۲/۹	مکزیک
-۲/۱	-۳/۷	۱۱/۰	۱۱/۲	۲/۹	۱/۴	جنوب آفریقا

ماخذ: صندوق بین‌المللی پول، «گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهان»، آوریل ۲۰۱۹  
 ۱- شامل کشورهای اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند می‌باشد.

### ۱-۳- حوزه مناپ<sup>(۱)</sup>

رشد اقتصادی در کشورهای حوزه خاورمیانه، شمال آفریقا، افغانستان و پاکستان در سال ۲۰۱۷ با کاهش زیادی مواجه شد که منعکس‌کننده تنزل شدید نرخ رشد در اقتصادهای صادرکننده نفت این حوزه بود. اقتصادهای حوزه مناپ در این سال به نرخ رشد ۲/۲ درصد دست یافتند که کاهش معادل ۳/۰ واحد درصد نسبت به سال ۲۰۱۶ در پی داشت.

رشد اقتصادهای صادرکننده نفت در حوزه مناپ در سال ۲۰۱۷ به ۱/۳ درصد رسید که بسیار پایین‌تر از رشد سال ۲۰۱۶ (معادل ۵/۹ درصد) بود. این کاهش قابل توجه سطح فعالیت‌های اقتصادی عمدتاً ناشی از عملکرد پایین‌تر از انتظار اقتصادهای عضو شورای همکاری خلیج فارس<sup>(۲)</sup> بود که نرخ رشدی معادل ۰/۳- درصد را در سال ۲۰۱۷ تجربه نمودند. در بین این اقتصادها، عربستان سعودی با بیشترین میزان کاهش رشد از سال ۲۰۰۹ مواجه گردید. کاهش رشد اقتصادی در این گروه از کشورها تا حد زیادی ناشی از تاثیرگذاری منفی سیاست کاهش

تولید نفت اوپک بود که اثر رشد بخش غیر نفتی در این اقتصادها را خنثی نمود. در کشورهای امارات متحده عربی و قطر، سطح ضعیف شاخص‌های اعتماد مصرف‌کننده و سرمایه‌گذاری به کاهش سطح تقاضای داخلی انجامید و رشد تولید ناخالص داخلی غیر نفتی این اقتصادها را نسبت به سال ۲۰۱۶ کاهش داد. در مقابل، در کشور بحرین، رشد بخش غیر نفتی از عملکرد ضعیف بخش نفتی فراتر رفت که این رشد عمدتاً از پروژه‌های سرمایه‌گذاری و عملکرد بخش‌های مالی و گردشگری این کشور حاصل شده بود.

در کشورهای غیر عضو شورای همکاری خلیج فارس از جمله الجزایر و عراق، رشد تولید ناخالص داخلی غیر نفتی به دنبال کاهش تولید نفت و نیز تقاضای کمتر از انتظار اروپا برای گاز تولیدی الجزایر، بسیار ضعیف بود. لذا رشد اقتصادی این دو کشور در سال ۲۰۱۷ با کاهش مواجه شد. در کشور لیبی، رشد اقتصادی فراتر از انتظارات بود که عمدتاً از افزایش تولید نفت حاصل شد و عملکرد ضعیف مخارج دولتی را خنثی نمود. در مقابل، کشور یمن با کاهش بیش از انتظار سطح فعالیت‌های اقتصادی مواجه شد.

۱- Middle East and North Africa, Afghanistan and Pakistan (MENAP)

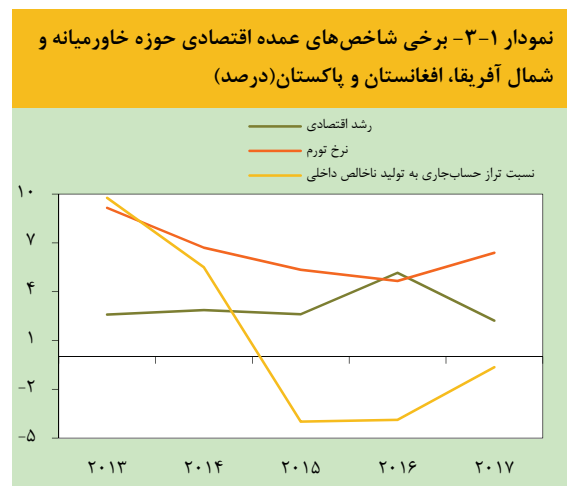
۲- شامل کشورهای بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی می‌باشد.

## گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۹۶

در سال ۲۰۱۷، اقتصادهای صادرکننده نفت حوزه مناپ در اتخاذ سیاست‌های تلفیق بودجه‌ای<sup>(۱)</sup> (کاهش کسری بودجه) با احتیاط بیشتری عمل نمودند. کاهش کسری بودجه در عربستان سعودی در این سال کمتر از سطوح پیش‌بینی شده در بودجه این کشور بود که با سطح بالاتر مخارج به واسطه درآمدهای بالاتر بخش غیر نفتی جبران شد. در قطر نیز این سیاست با سرعتی کمتر از انتظار پیگیری شد. سیاست مزبور در کشور عراق در قالب برنامه حمایتی صندوق بین‌المللی پول در این سال ادامه یافت. رشد اعتبارات در بیشتر اقتصادهای این حوزه در سطوحی پایین قرار داشت که تا حدی نشان‌دهنده پایین بودن مخارج مصرف‌کننده، دولت و شرکت‌های دولتی و نیز کاهش سطح اعتماد بود. در این خصوص، برخی از اقتصادهای این حوزه اقدام به اتخاذ سیاست‌هایی جهت تسهیل دسترسی به اعتبارات نمودند؛ از جمله، در کشور امارات یک تشکیلات جدید اعتباری جهت مدیریت ریسک اعتباری معرفی شد و در عربستان سعودی، محدودیت‌های موجود در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی تسهیل گردید.

در سال ۲۰۱۷، اقتصادهای صادرکننده نفت حوزه مناپ در اتخاذ سیاست‌های تلفیق بودجه‌ای<sup>(۱)</sup> (کاهش کسری بودجه) با احتیاط بیشتری عمل نمودند. کاهش کسری بودجه در عربستان سعودی در این سال کمتر از سطوح پیش‌بینی شده در بودجه این کشور بود که با سطح بالاتر مخارج به واسطه درآمدهای بالاتر بخش غیر نفتی جبران شد. در قطر نیز این سیاست با سرعتی کمتر از انتظار پیگیری شد. سیاست مزبور در کشور عراق در قالب برنامه حمایتی صندوق بین‌المللی پول در این سال ادامه یافت. رشد اعتبارات در بیشتر اقتصادهای این حوزه در سطوحی پایین قرار داشت که تا حدی نشان‌دهنده پایین بودن مخارج مصرف‌کننده، دولت و شرکت‌های دولتی و نیز کاهش سطح اعتماد بود. در این خصوص، برخی از اقتصادهای این حوزه اقدام به اتخاذ سیاست‌هایی جهت تسهیل دسترسی به اعتبارات نمودند؛ از جمله، در کشور امارات یک تشکیلات جدید اعتباری جهت مدیریت ریسک اعتباری معرفی شد و در عربستان سعودی، محدودیت‌های موجود در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی تسهیل گردید.

اقتصادهای واردکننده نفت حوزه مناپ<sup>(۲)</sup> در سال ۲۰۱۷ با افزایش ۰/۴ واحد درصدی رشد اقتصادی مواجه شده و به نرخ رشد ۴/۱ درصدی دست یافتند. نرخ تورم در این اقتصادها نیز با



جدول ۱-۳- برخی شاخص‌های عمده اقتصادی حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا، افغانستان و پاکستان (درصد)

تراز حساب‌جاری به تولید ناخالص داخلی	نرخ تورم		رشد اقتصادی	
	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۶
-	-	۳/۲	۲/۸	۳/۸
-۰/۶	-۳/۹	۶/۴	۴/۷	۲/۲
۱/۶	-۳/۱	۳/۶	۴/۰	۱/۳
-۶/۷	-۵/۶	۱۴/۴	۷/۵	۴/۱

ماخذ: گزارش «چشم‌انداز اقتصاد منطقه‌ای (خاورمیانه و آسیای مرکزی)»، صندوق بین‌المللی پول، آوریل ۲۰۱۹ و گزارش «چشم‌انداز اقتصاد جهان»، صندوق بین‌المللی پول، آوریل ۲۰۱۹

اقتصادهای این منطقه در این سال قدم‌های آهسته‌ای جهت ارتقای شفافیت و مدیریت قانون برداشتند. به عنوان مثال، در افغانستان قوانین مبارزه با فساد به اجرا گذاشته شد، در مراکش، تونس و سومالی اقدامات موثری در خصوص تقویت فضای تجاری اتخاذ شد و در پاکستان نیز ساختارهای مرتبط با قوانین ورشکستگی تقویت گردید. بخش بانکی در اقتصادهای

اقتصادهای این منطقه در این سال قدم‌های آهسته‌ای جهت ارتقای شفافیت و مدیریت قانون برداشتند. به عنوان مثال،

### ۱- Fiscal Consolidation

۲- شامل کشورهای افغانستان، جیبوتی، مصر، اردن، لبنان، موریتانی، مراکش، پاکستان، سودان، سوریه و تونس می‌باشد.



## فصل ۱ خلاصه‌ای از وضع اقتصادی جهان

شاخص قیمت گاز طبیعی نیز در فاصله زمانی اوت ۲۰۱۷ تا فوریه ۲۰۱۸ به میزان زیادی (حدود ۴۵ درصد) افزایش یافت که عمدتاً ناشی از عوامل فصلی بود. افزایش تقاضا برای گاز مایع در کشور چین که ناشی از سیاست دولت برای محدود نمودن مصرف زغال‌سنگ به منظور مبارزه با آلودگی هوا بود، قیمت گاز مایع را به بالاترین سطح در سه سال اخیر رساند. در این دوره، شاخص قیمت فلزات نیز به میزان ۸/۳ درصد افزایش یافت که با رشد قوی اقتصادی در اقتصادهای بزرگ همراه گردید. در این سال تقاضا برای فلزات اصلی (به ویژه آلومینیوم) بسیار بالا بود، در حالی که عرضه این فلز به دلیل کاهش ظرفیت تولید در چین دچار محدودیت شده بود. قیمت سنگ آهن نیز در این فاصله زمانی به میزان ۴/۱ درصد افزایش یافت که به دلیل قیمت بالای فولاد و افزایش هزینه تولید زغال‌سنگ، در ماه‌های پس از آن افزایش بیشتری را نیز تجربه کرد.

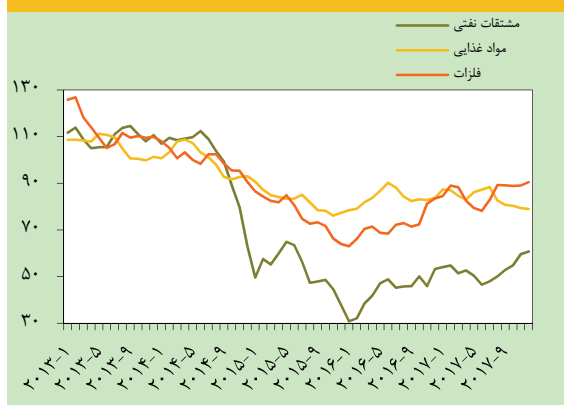
شاخص قیمت محصولات کشاورزی در دوره زمانی مذکور به میزان ۴/۱ درصد افزایش یافت که عمدتاً به دلیل شرایط نامساعد جوی و احتمال کاهش برداشت محصولات کشاورزی بود. شاخص قیمت محصولات غذایی و محصولات خام کشاورزی نیز در فاصله زمانی ماه اوت ۲۰۱۷ تا ماه فوریه ۲۰۱۸ به ترتیب به میزان ۴/۱ و ۶/۰ درصد افزایش یافتند.

واردکننده نفت حوزه مناپ با توجه به روند کاهشی وام‌های غیر جاری در سطوح باثباتی قرار داشت و از نقدینگی بالا و سرمایه کافی برخوردار بود. رشد اعتبارات بخش خصوصی نسبتاً بالا و تحولات آن تا حد زیادی بدون تغییر بود. با این حال، تقویت زیرساخت‌ها در زمینه‌هایی از قبیل مقررات و نظارت بانکی، قوانین مربوط به ورشکستگی، بیمه سپرده‌ها و نحوه مواجهه با ریسک در کشورهای مختلف این حوزه همچنان مورد نیاز بود.

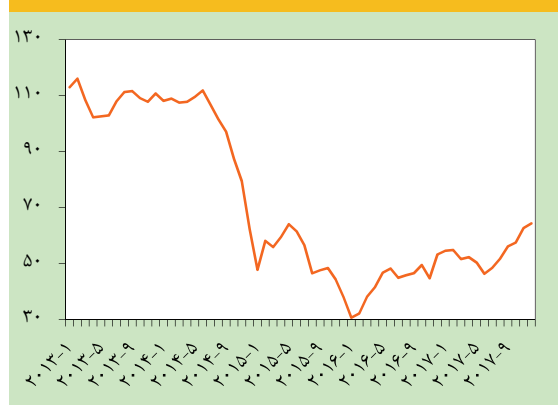
### ۴-۱- تحولات قیمت مواد اولیه و تورم

شاخص قیمت مواد اولیه<sup>(۱)</sup> در فاصله زمانی اوت ۲۰۱۷ تا فوریه ۲۰۱۸ به میزان ۱۶/۹ درصد افزایش یافت که در درجه اول ناشی از افزایش قیمت نفت و گاز طبیعی بود. در این فاصله زمانی، قیمت فلزات و مواد اولیه کشاورزی نیز با افزایش مواجه شد. در ماه ژانویه ۲۰۱۸، قیمت نفت به ۶۹/۱ دلار در هر بشکه افزایش یافت که بالاترین سطح از سال ۲۰۱۵ است. بروز وقفه در تولید نفت لیبی، دریای شمال و ونزوئلا، تمدید توافق کشورهای عضو اوپک و غیر اوپک در خصوص کاهش تولید و پایبندی به آن تا پایان سال ۲۰۱۸ و رشد قوی‌تر از انتظار اقتصاد جهانی از دلایل عمده این افزایش قیمت ارزیابی می‌شود.

نمودار ۱-۵- شاخص قیمت مواد اولیه (۲۰۱۴=۱۰۰)



نمودار ۱-۴- قیمت نفت خام برنت (دلار)



۱- این شاخص توسط صندوق بین‌المللی پول تنظیم و منتشر می‌شود.